

مردم یا حکومت‌ها؟

دلار، لبنیات، مواد شوینده، مرغ و گوشت یا حتی دارو زمانی که افزایش قیمت پیدا می‌کند، تقاضای مردم هم برای بیشتر خریدن و انبار کردن آنها بیشتر می‌شود. این اتفاق بارها از سوی مردم تکرار شده است؛ مردمی که از قحطی می‌ترسند و گاهی اوقات به گرانی و کمبود یک کالا دامن می‌زنند.



دلار، لبنیات، مواد شوینده، مرغ و گوشت یا حتی دارو زمانی که افزایش قیمت پیدا می‌کند، تقاضای مردم هم برای بیشتر خریدن و انبار کردن آنها بیشتر می‌شود. این اتفاق بارها از سوی مردم تکرار شده است؛ مردمی که از قحطی می‌ترسند و گاهی اوقات به گرانی و کمبود یک کالا دامن می‌زنند. به گزارش ایسنا، با افزایش قیمت محصولات لبنی، برخی از فروشگاه‌ها از این محصولات خالی شد و آنچه بیشتر از همه در سبد خرید مردم دیده می‌شود، لبنیات بود. این موضوع حتی در مورد دارو هم دیده شد. ترس از کمبود یا گران شدن دارو باعث شد آنهایی که بیمار دارند به فکر آینده بیماران و شان باشند و به جای یک بسته دارویی که پزشک برای آنها تجویز کرده بدون توجه به بیماران نیازمند این دارو و ترس از گرانی و کمبود آن، چند بسته خریداری و در خانه ذخیره کنند.

با شرایط اقتصادی و تورم موجود در کشور و ترس از گران یا کمیاب شدن بسیاری از محصولات موجود در بازار بعد از اعمال تحریم‌ها در ایران، بازار شایعات و به تناسب آن رفتارهایی که به نابسامانی اوضاع دامن می‌زند هم داغ شد. با نوسان قیمت ارز، حتی زنان خانه‌دار هم به صف خرید ارز پیوستند تا بتوانند از این طریق هم سود ببرند و هم برای آینده شان چاره‌اندیشی کنند. همین امر موجب تشدید بر هم زدن تعادل عرضه و تقاضا و افزایش قیمت‌ها شد.

اما وسعت ذخیره‌سازی و انبار کردن به کالاهای غیرضروری هم رسید. زمانی که موضوع فروش تعداد محدودی آیفون ۱۰ با دلار ۴۲۰۰ تومان مطرح شد مردم برای خرید آن هجوم بردند. در حال حاضر نیز همه در مترو و اتوبوس گرفته تا مهمانی و دورهمی و گذاری کنند زیرا احتمال افزایش بیش از پیش قیمت خودرو در آینده وجود دارد. گاهی اوقات ترس از قحطی موجب می‌شود مردم به دوران گذشته برگردند و حتی آرد هم ذخیره کنند! مثل شهروندی که این حرکتش را برای مسافران داخل واگن مترو با صدای بلند فریاد می‌زد و می‌گفت: «پسرم را فرستادم چند گونی آرد و قوطی روغن خریده و در گوشه‌های انباری ذخیره کردم تا در دوران بحران گرسنه نمانیم».

شاید بتوان فرهنگ ذخیره و انبار کردن مردم را در اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه از جمله «هرچه که خوار آید، روزی به کار آید»؛ نیز جست‌وجو کرد. اما علیرضا زمانی - کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی - معتقد است انبار کردن و ذخیره‌سازی تحت تاثیر شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه پیش می‌رود و به یک فرهنگ تبدیل می‌شود. چون مردم ما در طول تاریخ تجربه‌های مشابهی داشته‌اند، بنابراین نگران آینده هستند و از ترس نبود ثبات اقتصادی دست به چنین کارهایی می‌زنند.

او با اشاره به اتفاق‌های مشابه در دوران قاجار می‌گوید: ما از دوران قاجار با قحطی مواجه بودیم. قحطی‌هایی که منجر به آسیب‌های جدی به مردم شد. یکی از مهمترین نمونه‌ها قحطی سال ۱۲۸۸ هجری قمری در زمان ناصرالدین شاه بوده است. در چنین سالی بارش به شدت کم می‌شد و محصولات آن‌چنانی نداشتیم. از آنجایی که قوت غالب مردم نیز گندم و نان بوده است، تعداد بسیاری از مردم از بین می‌روند.

زمانی ادامه می‌دهد: آن زمان افرادی که دستشان به دهنشان می‌زدند؛ رسیدن عمل ذخیره‌سازی را به نیت کمک به هموطنان و شان انجام می‌دادند و بزرگانی مثل میرزا یوسف خان مستوفی الممالک یا میرزا حسین خان سپهسالار که در آن زمان سیمتی هم داشته‌اند، به نحوی به داد مردم می‌رساند. آنها بر اساس زمین‌های بسیاری که داشتند از مردم می‌خواستند به بهانه کار، خاک زمین‌هایشان را جابه‌جا کنند و به آنها غذا و دستمزد پرداخت می‌کردند. زمانی هم که از آنها می‌پرسند چرا از مردم می‌خواهند چنین کاری را انجام دهند، پاسخ می‌دهند برای آنکه مردم تنبل بار نیابند و کمک‌شان شیوه‌گدایی را ترویج ندهد چنین کاری را انجام می‌دهند.

این کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی اضافه می‌کند: برای مثال میرزا حسین‌خان مردم را در قلعه نصرت‌آباد (در محدوده دانشگاه تهران امروز و میدان مشق) کمک می‌کرده است. قحطی‌های دوره قاجار موجب شد تا مردم از گرسنگی ترس داشته باشند.

او همچنین می‌گوید: در پایان دوره رضاشاه، زمانی که متفقین وارد ایران می‌شوند ترس و فضای بدی در

ایران حاکم می‌شود. خاطرات عبدالرحیم جعفری بنیانگذار انتشارات امیرکبیر بیانگر این موضوع است. او آن زمان سرباز نیروی هوایی بوده. فروشگاه بزرگی در خیابان سرهنگ سخایی امروزی وجود داشته که متعلق به ارتش بوده است. او در خاطراتش آورده است وقتی خبر رسیدن نیروهای متفقین به تهران رسید، من نزدیک این فروشگاه بودم. خانواده‌های ارتشی‌ها وارد این فروشگاه شده بودند و آن را غارت می‌کردند و عملاً چیزی از فروشگاه باقی نماند.

زمانی ادامه می‌دهد: آن سال‌ها به دلیل اینکه نیروهای متفقین بخشی از غلات را برای خود و نیروهایشان مصرف می‌کردند، با مشکلات بسیاری مواجه شده بودیم. در جنگ جهانی اول هم باز با چنین مشکلاتی مواجه بودیم. به دلیل همین اتفاقات و با توجه به پیشینه تاریخی که وجود دارد، مردم ما نیز زمینه‌ای برای ذخیره‌سازی و انبار کردن مواد غذایی دارند. این ترس به دلیل نبود برنامه‌ریزی‌ها و اتفاقات سیاسی در پیش‌زمینه مردم وجود دارد. مردم ما حتی تجربه چنین اتفاقی را در دوره معاصر و جنگ ایران و عراق هم دارند. به همین دلیل، نگرانی از آینده و نبود ثبات در این زمینه در آنها وجود دارد.

این کارشناس مسائل فرهنگی و اجتماعی بیان می‌کند: حکومت‌ها هر اندازه در این زمینه به مردم تضمین بدهند اما نوعی ترس به دلیل وعده‌هایی که عملی نشده است، همراه مردم است. هرکدام از ما شاهد دوره‌هایی بوده‌ایم، من شاهد دوران جنگ در دهه ۶۰، پدر بزرگ من در دوره‌های قبل‌تر شاهد مسائل دیگر. بنابراین اتفاقات مشابه سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده و تأثیرات خودش را گذاشته است. وعده‌های مسوولان هم نمی‌تواند این شرایط را تغییر دهد، بنابراین طبیعی است که ما شاهد چنین صحنه‌ها و اتفاقاتی باشیم.